

دکتر رابرت یاربرو، رساله شبانی، جلسه ۶ اول تیموتائوس ۵

رابرت یاربرو و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت دبلو. یاربرو و آموزه‌های او در مورد رسالات شبانی، دستورالعمل رسولی برای رهبران شبانی و پیروان آنها است. جلسه ۶، اول تیموتائوس ۵.

ما به مطالعه خود در مورد رساله‌های شبانی، دستورالعمل‌های رسولان برای رهبران روحانی و پیروان آنها ادامه می‌دهیم.

نوشته‌ی شخصی به نام پولس نیست، این کلام خداست. در اولین سخنرانی مان، به ضرب‌المثلی اشاره کردم فکر می‌کنم آیه‌ی ۵ از باب ۳۰ است، هر کلام خدا آزموده می‌شود، او سپری است برای همه‌ی کسانی که به او پناه می‌برند. و وقتی به اول تیموتائوس فصل ۵ نگاه می‌کنیم، این نوعی آزمون کوچک برای این گفته است زیرا چیزهای زیادی در فصل ۵ وجود دارد که ممکن است فکر نکنیم مستقیماً در مورد ما صدق می‌کند، و به یک معنا، صدق نمی‌کند.

می‌توانید ببینید که فصل ۵ همه تحت یک عنوان است و آن بیوه‌ها، بزرگان و بردگان است. و NIV از عنوان ممکن است شما هیچ ارتباط مستقیمی با کسی با این توصیف نداشته باشید، بنابراین می‌توانید بگویید، خب چرا به اول تیموتائوس ۵ نیاز دارم؟ اما فکر می‌کنم چیزی که خواهیم دید این است که، به خصوص اگر شما یک کشیش هستید، یا یک کشیش مشتاق هستید، فکر می‌کنم خواهید دید که چیزهای زیادی وجود دارد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر اکثر ما، اگر نه همه ما، تأثیر می‌گذارد. و از همه مستقیم‌تر، می‌خواهم چیزی را به شما یادآوری کنم که احتمالاً در هیچ تفسیری از رساله‌های شبانی که می‌خوانید وجود نخواهد داشت، اما پولس به تیموتائوس مأموریت می‌دهد که زندگی کند، خود را برای خداترسی آموزش دهد و سپس انجیل را به گونه‌ای خدمت کند، به مسیح به گونه‌ای خدمت کند که خداترسی در میان قوم خدا وجود داشته باشد.

و چیزی که عهد عتیق در مورد آن بسیار واضح است، و ما بارها و بارها انعکاس آن را می‌بینیم، و حتی تا عیسی بر روی صلیب، می‌بینیم که این آموزه منعکس شده است، به پدر و مادر خود احترام بگذارید. و بر روی صلیب، عیسی مطمئن شد که از مریم، مادرش، مراقبت می‌شود. چرا او این کار را کرد؟ خب، او مردی، مهربان است، اما همچنین به این دلیل که او پسر عهد بود، و تورات، راهنمایی که خدا به قوم خود می‌دهد، و این در ده فرمان است، در ده فرمان است، به پدر و مادر خود احترام بگذارید.

در دوران باستان، مانند امروز، به طور کلی، زنان بیشتر از مردان عمر می‌کردند. و همچنین، در بسیاری از مواقع، به دلیل اینکه زنان در زندگی خود بسیار خدمت کرده‌اند، اگر همسرانشان فوت کنند، نسبتاً در معرض لطف جامعه خود قرار می‌گیرند. در بسیاری از مواقع، شوهران آنطور که باید پس‌انداز نمی‌کردند، و من قصد ندارم در مورد ازدواج در دوران باستان و ازدواج‌های امروزی تعمیم دهم، فقط می‌خواهم بگویم که هر نسلی با چالش کنار آمدن با افراد مسن روبرو است و اکثر افراد مسن زن خواهند بود.

در دنیای باستان، امید به زندگی صادق بود، برای ما هم صادق است. علاوه بر این، همه ما والدینی داریم و اگر والدینی داریم، پس از ما خواسته شده است که مراقبت از آنها را در دوران پیری به دغدغه خود تبدیل کنیم. اکنون، ممکن است برادر و خواهر داشته باشیم و به آنها اجازه دهیم این کار را انجام دهند، و این ممکن است اشکالی نداشته باشد، اما ممکن است اشکالی نداشته باشد.

ممکن است متوجه شوید که خدا شما را فرامی‌خواند تا در جایی که والدین یا خواهر و برادرهایتان باید از والدین شما مراقبت کنند، مداخله کنید، شاید آنها در نزدیکی شما زندگی کنند یا هر چیز دیگری، اما گاهی اوقات متوجه می‌شویم که باید از والدین خود مراقبت کنیم، و از نظر آماری، اگر تا پایان عمر به مراقبت از آنها وفادار باشید، از یک بیوه مراقبت خواهید کرد. آن بیوه مادر شما خواهد بود. بنابراین، کلیساهایی که نسبت به مراقبت از بیوه‌ها بی‌تفاوت هستند، نقطه کور بزرگی دارند، زیرا هر کلیسا، هر چه افراد بیشتری وجود داشته باشد، بیوه‌های بیشتری با آن افراد مرتبط هستند، اگر هیچ چیز دیگری نباشد، به شکل مادران و مادر بزرگ‌های افرادی که آن کلیسا با آنها در ارتباط است.

و من در مورد جامعه شما نمی‌دانم، اما جامعه آمریکا تقریباً این را به دولت واگذار می‌کند. و مادران و مادر بزرگ‌هایی که خانواده‌هایشان از آنها مراقبت نمی‌کنند، رنج زیادی را متحمل می‌شوند، و گاهی اوقات کلیساها و مسیحیان بخشی از این فراموشی فرهنگی هستند که چه چیزی را به زنان مسن‌تری که در کودکی از آنها مراقبت می‌کردند، مدیون هستند. بنابراین، فکر نکنید که فصل ۵ صرفاً به این دلیل که قرار است مطالب زیادی در مورد بیوه‌ها در آنجا ببینیم، بی‌ربط است، زیرا این فصل در شرایط خودمان کاربرد دارد.

اما او اینطور شروع می‌کند، یک مرد مسن را با تندی سرزنش نکن. چرا او باید این را بگوید؟ خب، به این دلیل است که ما قبلاً در اول تیموتائوس دیده‌ایم که نوعی بی‌نظمی وجود دارد، و تیموتائوس باید به مردم دستور دهد و آنها را موظف کند که اوضاع را به جایی که باید باشد برگردانند. او باید تعلیم واقعی را تأیید کند و زندگی اخلاقی و شیوه‌های زندگی مبتنی بر عهد و پیمان را تشویق کند.

و افرادی هستند که در حاشیه هستند. آنها کارشان را درست انجام نمی‌دهند و باید اصلاح شوند. اما او می‌گوید، یک مرد مسن را با تندی سرزنش نکنید.

اما او را همچون پدرت نصیحت کن، گویی او پدر توست. اینجا دوباره، پشت صحنه، به پدر و مادرت احترام بگذار. بنابراین، از اینجا شروع می‌کند.

با مردان جوان مثل برادر رفتار کنید. با مردان جوان مثل برادر رفتار کنید. نه اینکه آنها را مثل یک پانک بدانید.

شاید فکر کنید آنها بی‌ادب هستند، اما آنها را تحقیر نکنید. به آنها احترام بگذارید و مثل برادر با آنها رفتار کنید. زنان مسن‌تر مثل مادر، یعنی مهربان، دلسوز، محترم و با ملاحظه.

و زنان جوان‌تر به عنوان خواهرانی با پاکی مطلق. بنابراین، من در اینجا به این نکته اشاره می‌کنم که رهبری روحانی، که در واقع، همان ترویج شاگردسازی است. وقتی رهبری روحانی انجام می‌دهید، در حال شاگردسازی هستید.

و وقتی رهبری روحانی را به خوبی انجام می‌دهید و به شاگردسازی کمک می‌کنید، یکی از اتفاقاتی که می‌افتد این است که آنها با الگو قرار دادن شما، آنچه را که برای شاگردسازی دیگران نیاز دارند، یاد می‌گیرند. بنابراین شما فضایی ایجاد می‌کنید که نشان می‌دهد یک مرد جوان‌تر چگونه به مردان مسن‌تر نگاه می‌کند، یک مرد جوان‌تر چگونه به مردان جوان‌تر نگاه می‌کند، و سپس با زنان چگونه رفتار می‌شود. ما گاهی اوقات چیزی را در بین گروهی از مردم داریم که آن را اخلاق می‌نامیم.

و ممکن است در یک کلیسا یک سری اصول اخلاقی وجود داشته باشد، مثل تعصب نژادی. کلیساهایی هستند که می‌بینید، هوم، قومیت اینجا چیزهای بدی درباره قومیت‌های دیگر می‌گوید. این خیلی مسیحی نیست.

اما این اتفاق می‌تواند در گروه‌های سنی مختلف هم رخ دهد. کلیساهای جوان‌تر وجود دارند و آنها افراد مسن را دوست ندارند. آنها قرار نیست فقط به این دلیل که وزوز گوش همه افراد مسن را آزار می‌دهد، صدای آمپلی‌فایر را کم کنند.

چون می‌خواهند آن چیزی باشند که خودشان می‌خواهند. و افراد مسن‌تری هم هستند که از جوانان و سبک‌های عبادتشان متنفرند. آنها نمی‌خواهند به آنجا بروند.

و بنابراین، سبک‌هایی وجود دارد. سبک‌هایی برای احترام به افرادی که در کلیسا جا می‌افتند وجود دارد. و این با رهبر روحانی شروع می‌شود.

و رهبر و رهبران روحانی باید نسبت به چیزهایی که نیاز به تنظیم و تغییر دارند، هوشیار باشند و باید زمینه را برای احترام بهتر فراهم کنند. همچنین، رهبری روحانی، فروتنی را فرا می‌خواند. احترام و محبت به دیگران را می‌طلبد.

اگر قراره با کسی مثل پدرت رفتار کنی، این به معنی قبول مسئولیت نیست، پدر. این چیزی نیست که چاپلوسی و تظاهر باشه. این یه چیز واقعیه.

این پدر توست، و شاید آرزو می‌کردی که کاش او بود. شاید پدرت آدم محترمی نبود. اما می‌توانی با مردان مسن‌تر مثل پدران محترم رفتار کنی.

و شگفت‌انگیز است که چگونه در رهبری روحانی، افراد اغلب به سطحی می‌رسند که شما به آنها اعتبار می‌دهید. اگر با آنها با بی‌تفاوتی رفتار کنید یا با آنها طوری رفتار کنید که از شما فاصله بگیرند، اگر به آنها اعتماد نداشته باشید، اگر پشت سرشان شوخی کنید، برایشان دعا نکنید، بسیاری از اوقات مردم باعث غم و اندوه زیادی برای شما می‌شوند. اما شگفت‌انگیز است که چگونه وقتی به مردم اهمیت می‌دهید، و خدا این را می‌داند، و برای مردم دعا می‌کنید، و توجه خود را نشان می‌دهید، بسیاری از اوقات مردم جبران می‌کنند.

و شما به افرادی محبت پیدا می‌کنید که شاید در ابتدا، شاید حتی از آنها خوششان نمی‌آمد. بنابراین، این یک اخلاق است. و این همان چیزی است که رهبری روحانی خواستار آن است.

و این احترام و این محبت به دیگران، در پایان آیه، پس از اینکه او درباره زنان و مادران و زنان، زنان جوان‌تر به عنوان خواهران صحبت می‌کند، آن توصیف کوچک بسیار مهم، با مطلق یا با تمام خلوص، وجود دارد. و البته، این در ارتباط با زنان جوان‌تر است. ما اینجا درباره تیموتائوس صحبت می‌کنیم.

او یک مرد است. و مردان غرایز مرکزی دارند، و زنان نیز غرایز مرکزی دارند. و این‌ها خدادادی هستند.

و بنابراین، آنها نباید اهریمنی یا بی‌اعتبار جلوه داده شوند. آنها وسیله‌ای برای فیض الهی در جهت تحقق فرمان خلقت هستند. ما تمایل داریم که با افراد جنس مخالف ارتباط جنسی برقرار کنیم.

و نتیجه‌ی رستگاری، از نظر لطف عمومی، فرزندان هستند که هدیه‌ای از جانب خداوند می‌باشند. اما نکته‌ی منفی این است که از آنجایی که ما در دنیای گناهکار زندگی می‌کنیم، انگیزه‌های ما پاک نیستند. ما بسیار مستعد این هستیم که توسط چیزهایی که خواستن آنها برای ما سالم نیست، فریب بخوریم.

و بنابراین، ما باید راه‌هایی را برای هدایت انرژی‌هایمان یاد بگیریم تا آنها را به شیوه‌های قانونی و رستگاری به کار گیریم. در حال حاضر، یک استراتژی در افغانستان وجود دارد. و این استراتژی این است که زنان در ملاء عام فقط در صورتی که اصلاً اجازه حضور در ملاء عام را داشته باشند، می‌توانند با چشمان خودشان دیده شوند.

و حتی گویندگان اخبار هم الان مجبورند برق یا هر چیز دیگری بپوشند تا فقط همین را ببینند. اما این یک استراتژی مسیحی نیست. استراتژی مسیحی این نیست که همه چیز را پوشش دهد.

استراتژی مسیحیت این است که قلب با کلام خدا پاک شود. عیسی با چشم‌بند یا پتو روی مردم نمی‌افتاد. عیسی قلب پاک داشت.

خوشا به حال پاکدلان. و پولس به تیموتائوس می‌گوید، تیموتائوس، آن شخص پاکدل باش. آن شخص باش

و ما قبلاً چند بار کلمه وجدان خوب را شنیده‌ایم. از طریق ایمان، گناهان ما می‌توانند بخشیده شوند. و از طریق ارتباط با خدا و تمرین تقوا، می‌توانیم با تمایلات نفسانی خود کنار بیاوریم تا آنها را در راه‌هایی که خدا را جلال می‌دهند، به کار گیریم.

می‌گوید پاک مطلق. این کلمه در یونانی به NIV و ما می‌توانیم زنان را با پاک نسبی در نظر بگیریم. حال، او در معنای تماماً پاک است.

فکر می‌کنم منظورش تمام پاک‌های ممکن است. فکر نمی‌کنم پاک مطلق ممکن باشد. می‌دانید، ما گناهکاریم.

و ما حداقل از احتمال ناپاک آگاه هستیم. فکر می‌کنم خود خدا از ناپاک خبر دارد. اما فکر نمی‌کنم خدا وسوسه شود یا فکر نمی‌کنم احتمال ناپاک را در نظر بگیرد.

ما هنوز در این زندگی خداگونه نیستیم. اما می‌توانیم به اندازه‌ای که انجیل و روح‌القدس در لحظه ما را پاک می‌کنند، پاک باشیم. و این در مقایسه با لطف خدا، مطلق است.

ما می‌توانیم در حال حاضر و در فصلی که در خدمتگزاری‌هایمان هستیم، کاملاً با خدا صادق باشیم. این امر امکان فوق‌العاده‌ای برای اتحادها، دوستی‌ها، روابط مادر-فرزندی و روابط برادر-خواهری در کلیسا ایجاد می‌کند که به همان اندازه برای خدمتگزاری در کلیسا قدرتمند است، همانطور که یک ازدواج قوی برای کشیشی که رابطه خوبی با همسرش دارد و به خوبی ارتباط برقرار می‌کند و از عشق یکدیگر شادمان است و وجدان پاک دارد و مطمئن است که درگیر هوسرانی با مردان و زنان دیگر نیست، قدرتمند است. بنابراین، حضور بسیار قوی خدا و شادی عشق زناشویی وجود دارد.

این یک نیروی بسیار قوی است و شادی را برای زندگی و خدمت در ازدواج ایجاد می‌کند. شما می‌توانید چیزی شبیه به این را با زنان مسن‌تر و زنان جوان‌تر در کلیسا داشته باشید. روابط مبتنی بر اعتماد

روابط مربوط به ارزش نهادن به خدمات دعایی بیوه‌ها. و گاهی اوقات، من زنی را می‌شناسم که تا تقریباً ۱۰۰ سالگی در کلیسایی که من سال‌ها در آن خدمت می‌کردم، هنوز بر راهنماها و خوشامدگوییان نظارت داشت. و او در یک خانه سالمندان زندگی می‌کرد.

او از تلفن همراه استفاده نمی‌کرد، اما هر هفته که پرونده‌اش را داشت، با تلفن صحبت می‌کرد. و این کار را تا تقریباً ۱۰۰ سالگی ادامه داد. در چند سال گذشته، اتوبوس او را از خانه سالمندان می‌آورد و مردم او را به آنجا می‌آوردند و به نوعی او را سرپا نگه می‌داشتند.

و او نمی‌نشست. او را به نیمکتی در ایوان تکیه می‌دادند و خودش به همه سلام می‌کرد. و دعا می‌کرد.

او خداترس، فروتن و بسیار فروتن بود.

او همیشه می‌گفت، اوه، نمی‌دانم که آیا قرار است مدت زیادی اینجا باشم یا نه. او این را وقتی ۸۵ ساله بود. و بعد وقتی ۹۰ ساله شد، و بعد ۹۵ ساله، و بعد ۹۸ ساله گفت. فکر می‌کنم حدود ۱۰۱ سال عمر کرد.

اما او نمونه‌ای از یک زن مسن بود که در خدمت آن کلیسا بسیار ارزشمند بود. او تقریباً در ردیف جلو می‌نشست و مهم نبود در کجای موعظه باشید، اگر می‌ایستادید و سوالی می‌پرسیدید، او اولین کسی بود که به آن پاسخ می‌داد. او تمام مدت آنجا بود.

بنابراین، با زنان مسن‌تر مثل مادران رفتار کنید. و سپس با زنان جوان‌تر مثل خواهرتان. این برای بسیاری از مردان بسیار دشوار است.

و این چالشی است که مردان باید با آن روبرو شوند، به خصوص اگر در زندگی خود مرحله‌ای را پشت سر گذاشته باشند که درگیر پورنوگرافی شده باشند، که این امر روز به روز رایج‌تر می‌شود. زیرا این امر از نظر جسمی و عاطفی و اخلاقی آنها را تضعیف می‌کند. اما لطف خدا می‌تواند ما را از آن پاک کند و ما را از کشش رو به پایین آن تاریکی بیرون بیاورد.

و یکی از نشانه‌های رهایی ما از آن تاریکی، توانایی ما در توجه به زنان جوان‌تر است، زانی که ممکن است زمانی به شیوه‌های مبتذل، چه آنلاین و چه چاپی، مورد سوءاستفاده قرار گرفته باشند. ما کم‌کم آنها را آنطور که در نظر خدا هستند می‌بینیم، زانی که به تصویر خدا آفریده شده‌اند، زانی که شایسته خدمت ما هستند، شایسته خدمت صادقانه و شایسته دعای ما، و شایسته توجه ما به شیوه‌ای ناب هستند که انجیل می‌تواند در زندگی مردان ایجاد کند، حتی در فرهنگ فاسدی مانند فرهنگ خودمان که از سکس برای فروش همه چیز استفاده می‌کند. و به من گفته شده است که سال به سال وقتی آنها مطالعه می‌کنند، کلمه‌ای که بیشترین جستجو را در موتورهای جستجو دارد، سکس است.

بنابراین، ما در جهانی زندگی می‌کنیم که در آن سکس به کالایی تبدیل شده و بی‌اخلاقی در غرب عادی شده است. در واقع، اکنون، اگر بگویید بی‌اخلاقی اشتباه است، به خصوص اگر بگویید انواع خاصی از بی‌اخلاقی اشتباه است، آن را نفرت‌پراکنی می‌نامند. و این جرم‌انگاری شده است.

با این وجود، ایده‌آلی که ما اینجا داریم این است که اعضای جنس مخالف را به شیوه‌ای که کلام خدا توصیف می‌کند، ببیند. اگر او زنان جوان‌تر را می‌بیند، چون ما خدا را به عنوان پدر مشترک خود داریم، ما اعضای یک خانواده هستیم و این پتانسیل را داریم که آنها را با همان پاکی که یک خواهر کوچک‌تر وفادار را در نظر می‌گرفتیم، ببینیم. و این چیز زیبایی است، و من فکر می‌کنم تصادفی نیست که او بخش بعدی را که در مورد بیوه‌ها است، مقدمه قرار می‌دهد.

فکر نمی‌کنم وجود آیات ۱ و ۲ در اینجا تصادفی باشد، زیرا آیات ۱ و ۲ به نوعی خلاصه‌ای از روابط سالمی هستند که باید بین گروه‌های سنی مختلف و دو جنس در کلیسا برقرار باشد. آنچه در مورد تیموتائوس

صادق است، باید در مورد سایر مردان نیز صادق باشد. مردان مسن‌تر باید یاد بگیرند که به مردان جوان‌تری که به آنها احترام می‌گذارند، احترام بگذارند.

بنابراین، در آیات ۱ و ۲، نسبت به تمام طبقات سنی، برای هر دو جنس، حس مثبتی داریم. حال، اگر این حس را در جای خود قرار دهیم، و این حس توسط انجیل ایجاد شده باشد، چه اتفاقی برای بیوه زنان می‌افتد؟ ۵:۳، به بیوه زنانی که واقعاً نیازمند هستند، به درستی توجه کنید. اکنون، هر جا که نگاه کنید، بیوه زنان وجود دارند، اما برخی از آنها واقعاً در مورد منابع کلیسا به عنوان یک کل، نیازمند نیستند.

در آیه ۴ آمده است که اگر بیوه‌ای فرزند یا نوه دارد، باید قبل از هر چیز یاد بگیرد که با مراقبت از خانواده خود و در نتیجه جبران زحمات والدین و پدربزرگ و مادربزرگ خود، دین خود را به کار گیرد، زیرا این کار مورد رضایت خداست. این آیه‌ای است که زندگی بسیاری از خانواده‌ها را تغییر می‌دهد و بسیاری از خانواده‌ها آن را نادیده می‌گیرند زیرا مستلزم تغییر سبک زندگی است. ممکن است مستلزم تغییر مکان باشد.

شاید مجبور شوید برای نزدیک شدن به این شخص، نقل مکان کنید، یا شاید مجبور شوید این شخص را جابجا کنید تا بتواند نزدیک شما باشد. اما می‌خواهم حرف پولس را اینجا تکرار کنم. اگر چنین اتفاقی افتاده، اگر بیوه‌ای با فرزندان یا نوه‌ها وجود دارد، این یکی از راه‌هایی است که ما دین خود را به اجرا درمی‌آوریم.

و ما قبلاً دیده‌ایم که پولس چگونه تیموتائوس را نصیحت می‌کند، و اینکه چگونه، من از این کلمه استفاده می‌کنم، تمامیت‌خواه، به معنای مثبت. خدا در دعوتش به شاگردی تمامیت‌خواه است. او نمی‌گوید، من شما را به فداکاری کامل فرا می‌خوانم.

حالا، کنار چیزهایی که فکر نمی‌کنی جزو مهارت‌های تو هستند، یک ستاره می‌گذاری. او می‌گوید، پیش من بیا، و من تو را مسئول بعضی چیزها می‌کنم، و تو می‌فهمی که چطور از لطف من استفاده می‌کنی. من آنجا خواهم بود تا به تو کمک کنم.

اما، شما باید تصمیماتی بگیرید. باید اینجا تعهداتی بدهید. باید کار را انجام دهید.

من آن کار را با ثمرات و شادی بیشتری پر خواهم کرد، بیش از آنچه که بتوانید از عهده‌اش برآید، اما ممکن است در ابتدا چندان خوشایند به نظر نرسد. و مطمئناً، با فرض اینکه مراقبت از سالمندان باشد، مانند حکم اعدام است، زیرا می‌تواند چنین تغییری را در زندگی شما ایجاد کند. و الزامات مراقبت می‌تواند بسیار طاقت‌فرسا باشد.

حالا، مطالب زیادی در این مورد نوشته شده است، و چیزی که می‌خواهم بگویم این است که باید مراقب باشیم که زیاده‌روی نکنیم. این کار می‌تواند به دوراندیشی زیادی نیاز داشته باشد، و با پذیرفتن مسئولیتی بیش از آنچه می‌توانید به کسی بدهید، می‌توانید سلامت خود را نابود کنید، می‌توانید ازدواج خود را نابود کنید. من مخالف خانه‌های سالمندان و مراقبت‌های نهادینه شده نیستم، زیرا در محیط ما، گاهی اوقات نیازهای مردم بسیار زیاد است، و به خصوص یکی از معایب پزشکی غربی این است که مردم عمر طولانی‌تر و طولانی‌تر و طولانی‌تری دارند، حتی اگر کیفیت زندگی حداقل باشد.

آنها واقعاً نمی‌توانند حرکت کنند، اما داروهایی دارند که آنها را برای سال‌های سال و سال‌ها و سال‌ها زنده نگه می‌دارد، و از نظر انسانی برای یک نفر ممکن نیست که مثلاً از آنها مراقبت کند. آن یک نفر، مثلاً، از خستگی می‌میرد، زیرا این فرد باید در یک محیط حرفه‌ای مراقبت شود، جایی که افراد، یک تیم کامل وجود دارند. آنها دستگاه‌هایی برای جمع‌آوری افراد دارند، و داروها، و غذاهای مختلف دارند، و پزشکان و پرستاران در دسترس هستند.

این یک عملیات بسیار پیچیده است. اما اگر به درستی انجام شود، هنوز هم به مدافعانی در پشت صحنه نیاز دارد تا بر آنها نظارت کنند. می‌دانید، اگر دختر یا نوه یا پسر مسیحی‌ای آنجا باشد و بر امور نظارت و مدیریت کند و مطمئن شود که این شخص مورد غفلت قرار نمی‌گیرد، آن شخص از این نوع مراقبت‌ها بهره‌مند می‌شود.

و البته، محیط‌های زیادی وجود دارد. می‌توانم از محیط‌های محلی که می‌شناسم نام ببرم، جایی که زنان یا مردان و زنانی، مادر یا پدری را به خانه خود برده‌اند و به او کمک کرده‌اند تا زمانی که فوت کرده یا مجبور به رفتن به نوعی موسسه خیریه شده است، در خانه‌اش زندگی کند. اما این باید دغدغه‌ی پسران، دختران، نوه‌ها و نتیجه‌های مسیحی باشد.

و می‌دانم که برای بسیاری اینطور است، اما برای بسیاری هم می‌دانم که اینطور نیست. بیوه‌ای که واقعاً نیازمند و تنها مانده است، به خدا امید دارد و شب و روز به دعا و درخواست کمک از خدا ادامه می‌دهد. اما بیوه‌ای که برای لذت زندگی می‌کند، حتی در حالی که زنده است، مرده است.

بنابراین، او در اینجا نکته‌ای از قدردانی از کیفیت را القا می‌کند. دو نوع بیوه وجود دارد و ما باید به آنها توجه کنیم و دینداری را در آنها تشویق کنیم و مراقب افرادی باشیم که می‌خواهند بیوگی آنها را به بازی بگیرند و از آن برای حمایت استفاده کنند، در حالی که در واقع زندگی‌ای دارند که مورد رضایت خدا نیست بلکه از احساس مسئولیت مردم برای مراقبت از آنها سوءاستفاده می‌کنند. و پولس می‌گوید، این دستورالعمل‌ها را به مردم بدهید تا هیچ کس در معرض سرزنش قرار نگیرد.

ما می‌توانیم به خاطر بی‌توجهی به بیوه‌ها سرزنش شویم. همچنین می‌توانیم به خاطر توانمندسازی بیوه‌هایی که بی‌وجدان هستند یا از مراقبت خدا سوءاستفاده می‌کنند، سرزنش شویم. او در ادامه بیشتر در این مورد صحبت خواهد کرد، اما فعلاً می‌گوید هر کسی که برای بستگان و به ویژه خانواده خود تأمین مالی نکند، ایمان را انکار کرده و از یک کافر بدتر است.

آن آیه، وقتی داشتم روی تفسیرش کار می‌کردم، زندگی من و همسرم را تغییر داد، چون ما دور از این منطقه زندگی می‌کردیم، اما همینطور که داشتم روی این آیه کار می‌کردم، تازه متوجه شدم مادرم و ناپدری‌ام چقدر پیر هستند. یک اتفاق به اتفاق دیگری منجر شد و ما ۳۵۰ مایل نقل مکان کردیم. من شغل معلمی متفاوتی گرفتم و شروع به مراقبت از مادرم و ناپدری‌ام کردیم، چون آنها دیگر در شرایطی نبودند که بتوانند زندگی کنند، مگر اینکه کسی در کنارشان زندگی کند که بتواند بر زندگی‌شان نظارت داشته باشد. و مخصوصاً همسرم بود که پرستاری را رها کرد.

او شیر می‌داد، اما شیر دادن را رها کرد چون فهمید که نمی‌تواند هم شیر بدهد و هم واقعاً از مادرم و ناپدری‌ام مراقبت کند. اما آن حرف‌ها، هر کسی که خرجی ندهد، ایمان را انکار کرده و از یک کافر بدتر است. این حرف‌ها خیلی رکیک هستند.

و آنها دوباره از خواست خدا برای ما صحبت می‌کنند که کاملاً در کنار هم باشیم و به او اعتماد کنیم. من در برنامه‌های آینده‌ام مراقبت از مادرم را نداشتم. و استدلال‌های زیادی وجود داشت که می‌توانستم مطرح کنم، من برادر و خواهر دارم.

و من این کار را می‌کنم. اما در نهایت، این فقط همان راز چیزی است که خدا از من و شما می‌خواهد. و بنابراین، شما باید این هشدارها را جدی بگیرید.

و فکر نکنید که من مسیحی هستم. من با مخالفت با آنچه خدا مستقیماً به من می‌گوید، ایمان را انکار نمی‌کنم. این هرگز ایده خوبی نیست.

حنانیا و سفیره این کار را امتحان کردند. و نتیجه خوبی برایشان نداشت. اعمال رسولان، فصل ۵ را بخوانید. بنابراین، هیچ بیوه‌ای نمی‌تواند در فهرست بیوه‌ها قرار گیرد.

و این به ما می‌گوید که در افسس، آنها فهرستی از بیوه‌ها داشتند. ظاهراً تعداد آنها بیش از آن بود که بتوانند از آنها مراقبت کنند. اما آنها این مراقبت از بیوه‌ها را انجام می‌دادند.

و فهرست آنها هیچ‌کس را در آن قرار نمی‌داد مگر اینکه بالای ۶۰ سال سن داشته باشند. بنابراین این اولین شرط لازم بود. او باید به شوهرش وفادار می‌بود.

و او باید به خاطر کارهای نیکش شناخته شده می‌بود. بنابراین، او باید یک مسیحی جدی، معتقد و معتقد می‌بود. کارهای نیک مانند بزرگ کردن فرزندان.

می‌دونی، دوباره فرمان خلقت. این یه چیز مسیحیه. یه چیز مسیحیه که یه زن شوهرش رو دوست داشته باشه و بخواد برای جلال خدا بچه‌دار بشه.

نشان دادن مهمان‌نوازی. شستن پاهای قوم خداوند. فکر می‌کنم این احتمالاً استعاره‌ای است.

اما انجام کارهای رعیتی که باید در کلیسا انجام شود تا کلیسا کارش را انجام دهد. کمک به افراد گرفتار و وقف خود به انواع کارهای نیک. خب، این کار بسیار دشواری است.

اما چنین زنانی وجود دارند. و شوهرانشان فوت کرده‌اند. و کلیسا به آنها مدیون است.

وقتی سابقه‌ی فداکاری و خدمت دارند. و بسیاری از زنان... بسیاری از کلیساها در این زمینه خوب عمل می‌کنند. و بسیاری از کلیساها، نسبت به این موضوع کاملاً بی‌تفاوت هستند.

بنابراین، این یک چالش بسیار مرتبط است. به خصوص در عصری که مراقبت‌های پزشکی طول عمر را، افزایش می‌دهد. و زنان بیشتر و بیشتری بدون حمایت شوهرانی که ۵۰، ۶۰ یا ۷۰ سال یا بیشتر داشته‌اند، زندگی می‌کنند.

تا الان مشاهده من این است که مسیحیانی که والدین مسن دارند، مسئولیت آنها را بر عهده دارند. و اگر ما زن جوان‌تری هستیم که از خودمان دور می‌کنیم، از نظر آماری می‌دانیم که اگر ازدواج کنیم، احتمالاً روزی بیوه خواهیم شد. یا من اخیراً در یک گروه‌های کلاسی بودم و با بسیاری از دخترانی که ۵۰ سال پیش با آنها در دبیرستان بودم، آشنا شدم.

و من تازه یادم افتاد که چه تعداد بیوه بر اثر طلاق وجود دارد. امروزه بسیاری از ازدواج‌ها از هم می‌پاشند و بعداً در زندگی از هم می‌پاشند. و زنان از مردان خسته شده‌اند.

و آنها دوباره ازدواج نخواهند کرد. آنها به مردان نیازی ندارند. اما به سن پیری می‌رسند و دیگر حمایت شوهر را نخواهند داشت.

حال، برای برخی از آنها این رهایی بخش و یک نعمت است. اما چه بیوه فوت شده باشید و چه بیوه طلاق گرفته، مسئول تقوای زندگی خود هستید. و این یک کلمه محکومیت نیست.

این فقط یک حقیقت و یک چالش است. هیچ وقت برای حرکت در مسیر خدا دیر نیست. هیچ وقت برای ایجاد یک مسیر والاتر از خداترسی و بهبود اوضاع به جای رکود یا ایستایی دیر نیست.

و اگر خداترس باشید، ماه‌ها و سال‌های زیادی طول نمی کشد تا هویت خداترسی خود را تثبیت کنید. چون این اتفاق نادر است. افرادی که به کلیسا می روند و افرادی که عموماً مذهبی هستند، نادر نیستند.

اما اینکه مردم کاملاً در جریان باشند و واقعاً دعا کنند و واقعاً تأثیرگذار باشند، مانند آن زن مسنی که قبلاً به او اشاره کردم، این در هر کلیسای برجسته است. و هیچ کس این کار را برای برجسته شدن انجام نمی دهد. اما کشیشان و گروه های زنان و مردان، مردم وقتی کسی مایل دوم و سوم را طی می کند، آن را تشخیص می دهند و به آن اهمیت می دهند و عاشق کلام خدا هستند و از فیض خداترسی برخوردارند.

بنابراین، اینکه من ممکن است بیوه طلاق گرفته باشم، به این معنی نیست که هرگز نمی توانم از حمایت کلیسا برخوردار شوم. اولاً، بسیاری از زنان مطلقه هستند و تقصیر خودشان نیست. گاهی اوقات فقط مردان هستند که برمی گردند.

اما حتی اگر تا حدی تقصیر شما بوده باشد، خدا می بخشد، کلیسا می تواند ببخشد، و نکته مهم این است که کلیسا و بیوه های فعلی یا آینده این صلاحیت ها را برای مراقبت شدن به عنوان یک بیوه به رسمیت بشناسند. و من نمی دانم کدام مهمتر است، مراقبت از بیوه یا افرادی که یا برای مراقبت از آنها آماده می شوند یا برای مراقبت شدن به عنوان یک بیوه. کل ماجرا.

من فکر می کنم این فصل خیلی دست کم گرفته شده است. کل این ماجرا تصویر زیبایی از کار ارگانیک انجیل در یکی از کاربردی ترین جنبه های زندگی بشر، یعنی پیری، و اینکه کلیسا چقدر باید در خط مقدم باشد و روند پیری چقدر از نظر معنوی مرتبط است، ارائه می دهد. زیرا بیش از نیمی از اعضای کلیسا زن خواهند بود.

و درصد بالایی از این زنان، بیوه خواهند بود. و همه این زنان، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، با مردان در ارتباط هستند. بنابراین، هیچ کس در کلیسا نباید نسبت به آموزه های این فصل در مورد بیوه ها، که بسیار گسترده است، بی تفاوت باشد.

در کتاب اول تیموتائوس، بیش از هر چیز دیگری به بیوه ها پرداخته شده است. و این به این دلیل نیست که کتاب عجیبی است، بلکه به این دلیل است که کتابی بسیار کاربردی است. و در مورد زندگی آنطور که واقعاً زندگی می کنیم صحبت می کند.

حالا، بیوه های جوان تر چطور؟ زیر ۶۰ سال. آنها را در چنین فهرستی قرار ندهید. وقتی تمایلات نفسانی آنها بر فداکاری شان به مسیح غلبه می کند، می خواهند ازدواج کنند.

و این چیز خوبی برای ازدواج است. اما اگر آنها در لیست قرار گرفته باشند، حالا متعهد به بیوه بودن هستند. و پولس می گوید، آنها را وسوسه نکنید که در مورد وظیفه خلقت، خودشان را دست کم بگیرند.

شاید آنها دیگر نتوانند بچه‌دار شوند چون کمی کمتر از ۶۰ سال سن دارند، اما هنوز هم می‌توانند از ثمره ازدواج لذت ببرند. آنها هنوز هم می‌توانند همسر خوبی برای شوهری باشند که به همسری خوب نیاز دارد و می‌توانند با هم خدا را جلال دهند.

و چه کسی می‌داند، شاید آنها تا ۹۰ سالگی بیوه نشوند. چون آنها در ۵۲ سالگی بیوه شدند و در ۵۵ سالگی ازدواج کردند. و حالا خدا آنها را با شوهری که دوستشان دارد، مورد لطف قرار داده است.

و آنها با هم به پیری شدید می‌رسند. و این یک برد-برد است. این یک برد برای شوهر است.

این یک برد برای همسر است. این یک برد برای کلیسا است زیرا او مجبور نیست در لیست قرار بگیرد و کمکی را که کلیسا به او می‌داد، دریافت کند. به علاوه، او ممکن است بتواند به مادر یا مادر بزرگ خودش یا به سایر بیوه‌ها یا زنان مسن‌تر در کلیسا کمک کند.

برد-برد-برد. اگر عهد خود را برای بیوه بودن بشکنند، خودشان را قضاوت می‌کنند، چون اولین تعهد خود را زیر پا گذاشته‌اند. و برخی فکر می‌کنند که این همان عهدی است که باید به عنوان بیوه در لیست قرار بگیرند.

و برخی فکر می‌کنند که این تعهد مسیحی بودن است. اول، بالاترین اولویت آنها وفاداری به مسیح است. آنها با پیروی از خواسته‌های اصلی خود، تعهد وفاداری به مسیح را شکسته‌اند.

وقتی آنها قبلاً متعهد به بیوه بودن شده بودند، من فکر می‌کنم که این تعهد به مجرد ماندن و بیوه ماندن است، نه تعهد به مسیحی بودن. علاوه بر این، و فکر می‌کنم این مشاهده پولس است، آنها عادت می‌کنند که بیکار باشند و از خانه‌ای به خانه دیگر بروند. و نه تنها بیکار می‌شوند، بلکه فضول هم می‌شوند و حرف‌های بی‌معنی می‌زنند و چیزهایی می‌گویند که نباید بگویند.

بنابراین، آنها شایعه‌پراکنی می‌کنند. بنابراین، من به بیوه‌های جوان‌تر، در اینجا منظور از جوان‌تر، افراد زیر ۶۰ سال است، توصیه می‌کنم که ازدواج کنند.

حالا، در جامعه غربی ما، این می‌تواند تحقیرآمیز تلقی شود. چرا به او توصیه نمی‌کنیم که وکیل، مدیر اجرایی یک شرکت، خلبان هواپیما یا ژنرال ارتش شود؟ اما، ما در مورد دنیای باستان صحبت می‌کنیم. و همچنین در مورد دنیایی صحبت می‌کنیم که در آن ازدواج چیز خوبی است.

جامعه غربی تمایل دارد ازدواج را بی‌ارزش بداند، چون مانع پیشرفت شغلی می‌شود. اما خواهیم دید که این موضوع برای فرهنگ غربی چگونه پیش خواهد رفت. فکر نمی‌کنم در حال حاضر اوضاع چندان خوب پیش برود.

این چیز خوبی است که زنان مسیحی مردانی را برای ازدواج پیدا کنند و برعکس. و سپس، اگر به اندازه کافی جوان باشند که بچه‌دار شوند، فرزند داشته باشند، طبق فرمان خلقت، خانه‌هایشان را اداره کنند. حالا می‌بینید، زن است که خانه را اداره می‌کند.

زن و شوهر با هم زندگی می‌کنند. زن وسایل خودش را دارد و مرد هم وسایل خودش را.

برای اینکه به دشمن فرصتی برای تهمت زدن ندهیم. اگر او در وسوسه بیفتد و بخوابد، زمینه برای تهمت زدن فراهم خواهد شد. در واقع، برخی از آنها قبلاً به سیاست روی آورده‌اند.

خب، این ناراحت کننده است. او این کار را به خوبی انجام می دهد. اما پل آشکارا از تجربه آموخته بود که مردم از مراقبت های رایگان سوءاستفاده می کنند.

دوم تسالونیکیان ۳ می گوید، اگر کار نمی کنند، اجازه ندهید غذا هم بخورند. بنابراین، اگر ما افراد توانمند در کلیسا هستیم، باید راه هایی برای جبران سخاوتی که ممکن است به کلیسا وابسته باشیم، وجود داشته باشد. باید راه هایی وجود داشته باشد که بتوانیم، همانطور که پولس در افسسیان می گوید، با دستان خود کار کنیم. تا وسیله ای برای بخشش به دیگران داشته باشیم.

این چیزی است که او به افرادی که وسوسه دزدی دارند می گوید. یاد بگیرید که با دستان خود کار کنید تا بتوانید به دیگران ببخشید. خواسته های جوانی باید به سمت نتایج فرمان خلقت هدایت شوند.

.امیال جوانی اشتباه نیستند. امیال جنسی خدادادی هستند. می خواهم بر این نکته تأکید کنم.

چون نمی خواهم مردم فراموش کنند که ما به تصویر خدا آفریده شده ایم و به عنوان زن و مرد آفریده شده ایم. و اگرچه بی بندوباری جنسی اشتباه است، اما تمایلات جنسی موهبتی از جانب خداست. و باید تأیید شود.

اما باید در جهت های مثبت به چالش کشیده شود. و پولس قبلاً به ازدواج اشاره کرده است، و حالا چند بار به ازدواج و چند ارتباط اشاره کرده است. و آن را تأیید می کند.

، کتاب مقدس آن را تأیید می کند. جامعه ما تعهد زناشویی را تأیید نمی کند زیرا مانع فردیت می شود. بنابراین، ابراز جنسی را تأیید می کند، اما آن را به روشی تأیید می کند که برای اخلاق و شخصیت افراد مخرب است.

چون وقتی ما بی هدف می خوابیم، این کار باعث می شود شخصیت ما از بین برود. علاوه بر این، ما را در معرض بیماری های جسمی و روانی قرار می دهد. علاوه بر این، از کتاب مقدس کاملاً مشخص است که نگاه کردن به مسئولیت مرد در این مورد، زیرا کتاب مقدس مسئولیت را بر عهده مردان قرار می دهد، نه بر عهده زنان.

وقتی برادری با کسی که همسرش نیست رابطه جنسی برقرار می کند، دارد به کس دیگری خیانت می کند. تو حقی نسبت به زنی که همسرت نیست نداری. برایم مهم نیست که او راضی باشد یا نه.

و من اهمیتی نمی دهم که ازدواج کرده ای یا نه. اگر مسیحی هستی، پس باید برای آن زنی که قرار است همسرت باشد، محفوظ باشی. و ما فرهنگی داریم که در آن اغلب حتی در گروه های جوانان مسیحی، مردم راه هایی برای رابطه جنسی پیدا می کنند.

.و این درست نیست. و سالم نیست. و اگر می خواهی خودت را نابود کنی، این چیز خوبی نیست.

اما وقتی داری دیگران را نابود می کنی، قرار است همسایهات را دوست داشته باشی. قرار نیست با آنها زنا کنی. و این چیزها در فرهنگ ما زیاد است، و چیز خوبی است.

.منظورم این است که پول زیادی از آن به دست می آید. تفریحگاه هایی وجود دارد که می توانید به آنها بروید. می توانید به سفرهای جنسی، فیلم، تلویزیون، سرگرمی، کلوپ های شبانه، انواع و اقسام راه هایی که مردم در

آنها خیال‌پردازی‌های خود را زندگی می‌کنند، بروید و پول زیادی به دست می‌آید، و افراد زیادی از آن لذت می‌برند، و این به یک سبک زندگی تبدیل می‌شود.

بعلاوه، به من گفته شده که مثل عادت کردن است. فکر کنم به همین دلیل است که به آن رذیلت می‌گویند، یا قبلاً به آن رذیلت می‌گفتند. به این نوع زندگی قبلاً رذیلت می‌گفتند، که اصطلاح خوبی برای رفتار بدی است که در نهایت شما را نابود می‌کند.

خب، پولس در این پرتو منفی، با امیال نفسانی در تردید است. او نسبت به ارضای آنها هشدار می‌دهد زیرا آنها را به آن سمت سوق می‌دهند. اما اگر از دیدگاه مسیحی به آن نگاه کنید، آنها یکی از بهترین چیزهایی هستند که تا به حال برای مردم اتفاق افتاده است زیرا تمایلات جنسی بخش مهمی از شخصیت ما است و از نظر انسانی، یکی از نشانه‌های بهشت روی زمین است.

می‌دانید، غذای خوب، سه بار در روز غذا می‌خوریم. روابط خوب با جنس مخالف، و به خصوص همسرمان. چیزی است که روزانه از طریق ارتباط ما با یکدیگر تکرار می‌شود. تجربه جنسی بین زن و شوهر وجود دارد.

این موارد در کتاب مقدس تأیید شده‌اند و ما در کلیسا به توجه سالم به این موارد نیاز داریم. بنابراین باید امیال جوانی هدایت شوند. پولس، با تشویق بیوه‌ها به ازدواج، حرف منفی نمی‌زند.

او چیزی بسیار مثبت می‌گوید و آنها را در مسیری که خدا برکت خواهد داد، تشویق می‌کند. در تمام این ماجرا، داوری در خطر است. آیه ۱۲، آنها خودشان داوری را بر خود می‌آورند.

این خیلی جدیه. همچنین، تخریب جامعه. آیه ۱۳، این تصویر از شایعاتی که پخش میشن و مزخرفاتی رو پخش میکنن که برای جامعه مخربه.

و سپس فریب شیطانی. برخی قبلاً شیطان پلید را از خود دور کرده‌اند. کشیش باید با تشویق مثبت خود به بیوه زنان و کسانی که از آنها مراقبت می‌کنند، همه اینها را خنثی کند.

با ایجاد ساختارهایی که بتوانند این فهرست را داشته باشند، می‌توانند تعیین کنند چه کسی در آن باشد، چه کسی نباشد و غیره. این بخشی از نظارت معنوی اوست. اگر می‌خواهید بدانید آیه ۲:۱۲ به چه معناست، به آنها اجازه ندهید که اقتدار اعمال شده را آموزش دهند، این اداره مراقبت از بیوه‌ها بخشی از اقتدار اعمال شده است.

کسی باید مسئول این امر باشد. کسی در قبال بیوه زنان کلیسا در برابر خدا مسئول است و این مسئولیت با رهبر کشیش شروع می‌شود. اگر هر زن مؤمنی بیوه‌هایی را تحت مراقبت خود دارد، باید به کمک به آنها ادامه دهد و نگذارد کلیسا زیر بار آنها باشد تا کلیسا بتواند به بیوه‌هایی که واقعاً نیازمند هستند کمک کند.

بنابراین شاید دختری باشد که مادر و مادر بزرگ دارد. شاید زنی در کلیسا باشد که نسبتاً ثروتمند است و از چندین بیوه مراقبت می‌کند. پولس می‌گوید اگر این اتفاق می‌افتد، خوب است.

چون بعضی از بیوه‌ها هستند که جز کلیسا راه دیگری ندارند. بنابراین، اگر مردم بتوانند خودشان این کار را انجام دهند، قدرت بیشتری به آنها داده می‌شود. اگر مردم بتوانند خودشان این کار را انجام دهند، نمی‌توانند همه چیز را از کلیسا بگیرند.

، بیوه‌هایی که واقعاً نیازمند هستند، بیوه‌هایی هستند که واجد شرایط هستند. آنها ۶۰ سال سن دارند ، خداترس هستند و از هیچ منبع دیگری حمایت نمی‌شوند. حالا به بزرگان می‌رسیم.

بزرگانی که امور کلیسا را به خوبی هدایت می‌کنند، شایسته‌ی احترام مضاعف هستند، به خصوص کسانی که کارشان موعظه و تعلیم است. در فرقه‌ی من، ما به این بزرگان تعلیم دهنده می‌گوییم. ما رهبران کشیشی داریم که به عنوان بزرگان تعلیم دهنده منصوب نشده‌اند و به آنها بزرگان حاکم می‌گویند.

و بنابراین، آنها در کلیسا از اقتدار معنوی و مسئولیت‌های مراقبت از کشیش برخوردارند، اما آنها کشیش‌های آموزشی منصوب و منصوب‌شده‌ای نیستند که معمولاً به حوزه علمیه رفته‌اند. و کلیساهای مختلف این کار را به روش‌های مختلفی انجام می‌دهند. اما برخی از کلیساهای فکر می‌کنند که شما در اینجا به طور ضمنی به مشایخ معلم یا ناظرانی که موعظه و تعلیم می‌دهند و ناظرانی که قادر به تعلیم هستند اشاره کرده‌اید، اما این تخصص آنها نیست.

و گاهی اوقات در کلیساهای می‌بینید، کشیشان اداره یا کشیشان جذب یا کشیشان شاگردسازی را می‌بینید که چیزهایی را پایه‌گذاری می‌کنند و برخی را آموزش می‌دهند، اما آنها واقعاً کشیش تعلیم‌دهنده و موعظه‌گر کلیسا نیستند. من فکر می‌کنم امروزه در بخش‌های مختلف جهان، انعطاف‌پذیری زیادی در نحوه اجرای این موضوع در دستورات کلیسا وجود دارد. اما این دلیلی ارائه می‌دهد که چرا کشیشان شایسته احترام هستند و یک آیه از عهد عتیق می‌گوید: وقتی گاو در حال کوبیدن دانه است، دهانش را نبندید.

دومی از عهد جدید است. کارگر سزاوار دستمزد خود است. و من فکر می‌کنم این، اولاً، مدرکی است که نشان می‌دهد لوقا در این زمان نوشته شده است، زیرا این از انجیل لوقا آمده است.

در عهد جدید، ترجمه کتاب مقدس در اینجا است. این graphe کارگر مستحق دستمزد خود است. و کلمه کلمه نمی‌تواند به معنای یک سنت شفاهی باشد.

و اگر با گفته‌ای از عهد عتیق در پرناتز قرار گیرد، آنگاه می‌گوید که آیه عهد جدید نیز کتاب مقدس است. بنابراین، این پولس است که کتاب مقدس را هم عهد عتیق و هم عهد جدید می‌نامد. اتهامی علیه یک شیخ نپذیرید مگر اینکه توسط دو یا سه شاهد اقامه شود.

این موزاییک عهد عتیق است. فقه شهادت. حقایق توسط دو یا سه شاهد اثبات می‌شوند.

خداوند توسط شاهدان متعدد به خودش شهادت می‌دهد. عیسی می‌گوید شاهدان مختلفی به من گواهی دادند. یحیی تعمید دهنده، معجزات من، روح القدس، خدا، پدر.

اینگونه است که ما حقایق را در خانه خدا اثبات می‌کنیم. و تیموتائوس در این گلخانه شواهد قرار دارد که در آن مخالفت وجود دارد. جنجال‌هایی وجود خواهد داشت که او باید آنها را مدیریت کند.

از کجا می‌فهمی کی و چطور باید کسی را متهم کنی؟ خب، اگر کسی فقط کسی را متهم کند، هیچ معنایی ندارد. باید ثابت شود. پس فقط به شایعات اکتفا نکن.

اما آن بزرگانی که گناه می‌کنند، ممکن است بزرگانی باشند که کسی علیه آنها اتهامی وارد کند و ممکن است درست باشد. خب، جلوی همه توبیخ کنید تا دیگران عبرت بگیرند. اخیراً، یک فرقه بسیار بزرگ در ایالات متحده وجود داشت که مشخص شد هزاران، خب، ۷۹۰ کشیش در آن به جرم سوءاستفاده جنسی مجرم شناخته شده‌اند.

و این برای رهبران آن فرقه شناخته شده بود، اما آنها هیچ کاری در مورد آن انجام ندادند. آنها سکوت کردند. آنها را در مقابل همه سرزنش نکردند تا دیگران عبرت بگیرند.

و این موضوع پیامدهای زیادی خواهد داشت. پولس می گوید، وقتی بزرگانی که علناً به عنوان مأموران کلیسا شناخته می شوند، به شیوه های قابل سرزنشی تخلف می کنند، منظورم این نیست که با سرعت سه مایل در ساعت بیشتر از حد مجاز رانندگی می کنند یا دو میلک شیک می نوشند و وزنشان اضافه می شود و به درستی از بدن خود مراقبت نمی کنند. من می گویم وقتی آنها، شیوه های تجاری بی وجدان، دروغگویی، غیبت، فساد جنسی، دزدی، مرتکب می شوند، باید توبیخ شوند تا همه صداقت رهبری کلیسا را ببینند.

و بعد پولس یک علامت تعجب روی آن می گذارد. من تو را امر می کنم، دوباره آن دستور وجود دارد. من تو را در حضور خدا در مسیح عیسی و فرشتگان برگزیده امر می کنم که این دستورات را بدون جانبداری رعایت کنی.

هیچ کاری را از روی طرفداری انجام ندهید. در رهبری کشیش، طرفداری از کسانی که از ما حمایت می کنند واقعاً وسوسه انگیز است. و مشکل این است که انسان ها همانطور که هستند، گاهی اوقات مردم از کشیش طرفداری می کنند و بعداً از کشیش می خواهند که به آنها لطفی شود.

و تا زمانی که از شما گناه نخواهند، اشکالی ندارد. با توجه به حرف هایشان، آیا از این موضوع چشم پوشی می کنید یا اینجا کمی به من مهلت می دهید یا به پسر کمک می کنید تا قرارداد انجام این کار را در کلیسا بگیرد، چون او کسب و کار جدیدی دارد؟ من خیلی از کلیسا حمایت می کنم.

راه هایی وجود دارد که یک کشیش می تواند با درخواست های به ظاهر بی گناه حامیان در کلیسا فاسد شود. و بی طرف بودن به عنوان یک رهبر کشیش بسیار دشوار است. اما این بخشی از دیدگاه رساله کشیش است.

و این بسیار جدی است زیرا این در نظر خدا در مسیح عیسی و فرشتگان برگزیده است. این واقعاً جدی است. و بنابراین، من فکر می کنم این به میزان دشواری یک رهبر کشیش بی طرف و متعهد بودن عمیق به همه افرادی که تحت مراقبت شما هستند، اما هوشیار بودن نسبت به راه هایی که ممکن است بخواهند رابطه خود با شما را به نفع خودشان تحریف، تحریف و سوءاستفاده کنند، اشاره دارد.

این موضوع به اول تیموتائوس ۳ برمی گردد. در دست گذاری عجله نکنید. وقتی یک ناظر منصوب می شد، به نظر می رسید که این انتصاب مورد توجه عموم قرار گرفته است. و این موضوع هنوز هم در بسیاری از کلیساها صادق است که وقتی کسی به عنوان کشیش یا شماس یا هر نام دیگری که در آن کلیسا به او داده می شود، رهبر کشیش، ثبت می شود، آنگاه مراسم دست گذاری انجام می شود.

پولس می گوید برای انجام این کار عجله نکنید. در گناهان دیگران شریک نشوید. مفهومی این است که اگر عجله کنید، ممکن است افرادی را منصوب کنید که هنوز بیشتر در گناه خود هستند تا در جستجوی خدا.

و چون شما آنها را تأیید می کنید، در اشتباهات آنها شریک خواهید بود. شما تا حدی مسئول این هستید. خودتان را پاک نگه دارید.

حالا این ربطی به زنان و خواهران جوان تر ندارد. این دوباره مربوط به ارتقای افرادی به خدمت است که قرار است نام مسیح و نام کلیسا را بدنام کنند. بنابراین، ما فقط در مورد احترام به بزرگان و رفتار خوب با آنها صحبت کردیم.

حالا او احتمالاً در مورد برخورد با جوان‌ترها صحبت می‌کند. برخورد با افرادی که مشتاق هستند و قرار است روی آنها کار کنید. برای انجام این کار عجله نکنید.

بعدش مراقبت از خود. او نگران سلامتی تیموتی است. تیموتی نوشیدن شراب را ترک کرده است.

و پولس می‌گوید کمی شراب خوب است، تیموتائوس. و می‌توانیم در مورد مزایای پزشکی این گفته بحث کنیم. اما من فکر می‌کنم اصل مطلب بسیار واضح است.

کشیشان باید نسبت به نیازها و شرایط جسمی خود هوشیار باشند و به طور مخربی زاهد نباشند. زاهد یعنی، خودت را انکار کنی. و احتمالاً با این ایده که هر چه بیشتر خودم را انکار کنم، خدا خوشحال‌تر خواهد بود، زیرا مگر خدا نمی‌خواهد ما بدبخت باشیم؟ و البته، خدا نمی‌خواهد ما بدبخت باشیم.

و او قبلاً گفته است که غذای خوب، خوب است. غذای خوب شامل شراب خوب و استفاده‌ی عاقلانه از نعمت‌های خلقت خداوند می‌شود. اما به راحتی می‌توان به کمی شراب بسنده نکرد.

به همین دلیل است که او می‌گوید کمی شراب. نمی‌گوید که شما مشکلات معده دارید. بنابراین من می‌خواهم. که شما هر شب یک بطری شراب بنوشید.

مشکلات را فراموش کن. فکر می‌کنم هر تفسیری بگوید که الکل موجود در شراب، موجودات زنده خاصی را از بین می‌برد و آب را برای نوشیدن سالم‌تر می‌کند. پس منظور او همین بوده است.

چون او مرتباً بیمار می‌شود. من در واقع یک مرد آلمانی را می‌شناختم. او الان پیش خداوند است.

اما او در یک کشور آفریقایی تحقیقات زیادی انجام داد. و آب و غذا همیشه برای خوردن اروپایی‌ها امن نبود. و او گفت که آنها بعد از غذا خوردن، همیشه یک نوشیدنی اشنپس می‌نوشند.

و این یه جورایی نشون دهنده درصد بالای الکل. اما اون قسم خورد که بهشون کمک کرده مریض نشن. نمی‌دونم این حرف درست بود یا نه.

اما ایده همین است. حالا، یک لیوان اشنپس بعد از یک وعده غذایی مفصل، نه یک لیوان، بلکه یک شات. شما را مست نمی‌کند. اما ممکن است به تصفیه محتویات معده‌تان کمک کند.

و این همان چیزی است که پولس اینجا می‌گوید. گناهان برخی در خلاصه این فصل آشکار است. گناهان برخی دیگر که جلوتر از آنها به جایگاه داوری می‌رسند، پشت سرشان قرار دارند.

به همین ترتیب، اعمال نیک آشکار هستند، حتی آن‌هایی که آشکار نیستند هم نمی‌توانند برای همیشه پنهان بمانند. بنابراین، منظور او این است که، تیموتائوس، به آنچه به تو می‌گویم پایبند باش. در دراز مدت نتیجه خواهد داد.

حکمت آن را خواهید دید. در پایان، مراقبت خوب روحانی، سطح بالایی از فعالیت‌های عملی را پشتیبانی می‌کند. آیه ۱۶، درباره بیوه زنان.

، نگذارید کلیسا زیر بار آنها برود تا بتواند به بیوه‌هایی که واقعاً نیازمندند کمک کند. مراقبت‌های شبانی خوب سطح بالایی از فعالیت‌های عملی را ترویج و حفظ می‌کند. به همین دلیل است که کشیشان باید مهمان‌نواز باشند، زیرا آنها نمونه‌ای از مراقبت از دیگران به شیوه‌ای شخصی را نشان می‌دهند.

دوم اینکه، اگرچه بزرگان شایسته احترام هستند، اما به بررسی و راهنمایی بدون تبعیض نیز نیاز دارند و از آنها انتظار می‌رود که استانداردهای بالاتری داشته باشند. بنابراین این موضوع باید برای بزرگان آینده روشن شود. زیرا می‌دانم که برخی از مردان نمی‌توانند جلوی خودشان را بگیرند و این را به عنوان یک افتخار نمی‌بینند.

من در فهرست انتخابات بزرگان کلیسا هستم. و هر چه بیشتر اینطور فکر کنیم، حق کمتری برای بزرگان بودن داریم. بزرگان کلیسا یک مسئولیت هستند.

مسئولیتش خیلی بیشتر از مربی بیسبال بودن خواهد بود. مربی بیسبال بودن به جورایی سرگرم کننده از آب درمیاد. بزرگ شدن خیلی لذت بخشه، اما در سطح مربی بیسبال بودن لذت بخش نیست.

در واقع، ساعات تنهایی زیادی در دعا، و گاهی اوقات در مشاوره با مردم، یا در بحث در مورد مسائل وجود خواهد داشت. شاید برخی شب‌ها بی‌خوابی، جلسات تا دیروقت. شاید کیف پول خودتان خالی شود زیرا نیازهایی را خواهید دید که می‌توانید به آنها رسیدگی کنید و نمی‌خواهید کلیسا را با آنها به زحمت بیندازید.

منظورم این است که شیخ بودن یک فداکاری است. این یک مقام مدیرعاملی نیست. و به استاندارد بالاتری نیاز دارد.

بنابراین مردم باید این موضوع را به روشنی درک کنند. باز هم، مثال کشیش بسیار مهم است. اگر کشیش خود را در اختیار خدا و مردم قرار دهد، وقتی مردم فکر می‌کنند، اوه، من می‌خواهم یک شغل راحت با پاداش و افتخار فراوان مانند او داشته باشم، وسوسه کمتری وجود دارد.

او زمینه را برای خدمت و فداکاری مسیح‌گونه فراهم خواهد کرد. و وقتی از کسی دعوت می‌کند که در مورد این موضوع فکر کند، چون آنها علاقه نشان داده‌اند، می‌توانند ببینند که، هوم، مطمئن نیستم که من این را می‌خواهم. و اگر آنها واقعاً آن را بخواهند، احتمال بیشتری دارد، زیرا آنها واقعاً آن را می‌بینند و آن ندای خدا را احساس می‌کنند، من می‌خواهم نماینده خدمت انجیل در این کلیسا باشم.

و بله، این برای من هزینه خواهد داشت، اما این رضایت‌بخش‌ترین چیز در دنیاست. هیچ چیز رضایت‌بخش‌تر از این نیست که با خدا روراست باشی. رضایت‌بخش‌تر از تفریح است.

از رانندگی با جت هم ارضاکننده‌تره. از موتورسیکلت هم ارضاکننده‌تره. از سفر کردن هم ارضاکننده‌تره.

رضایت‌بخش‌ترین کاری که می‌توانیم در دنیا انجام دهیم این است که مکانی برای خدمت و پرستش و لذت بردن از مواهب خدا و خدمت به خدا پیدا کنیم و آن را در زندگی خود جاری کنیم و از فصل‌های استراحت، و عصرها در کنار دریاچه یا هر جای دیگری لذت ببریم. منظورم این است که در بسیاری از نقاط جهان فرصت‌های زیادی برای لذت بردن از زندگی وجود دارد. اما حتی اگر در مکانی از جهان باشیم که فقر و ظلم وجود دارد و هیچ سفر تفریحی وجود ندارد و ما روزی یک وعده غذا می‌خوریم، حتی در آن نقاط جهان، خدا به سراغ ما می‌آید.

او به قوم خود سر می‌زند و خدمت را ثمربخش می‌کند و فداکاری ما را در حضور خود شادمان می‌سازد. بنابراین، بزرگ شدن یا مراقبت از بیوه زنان کار بزرگی است. سوم، تیموتائوس باید در رهبری، توانمندسازی و مراقبت از خود فعال باشد.

مراقبت از خود. اینکه مردم چگونه برای بدی یا برای خوبی زندگی می‌کنند، یک دغدغه همیشگی در میان کشیشان است. و ما باید آن چشم‌انداز بلندمدتی را که پولس برای تیموتائوس تعیین می‌کند، داشته باشیم.

همه چیز به همان شکلی که واقعاً هستند، درخواهد آمد. و بنابراین، در حال حاضر، ما باید با حس رهاشدگی برای آینده‌ای که خدا تعیین خواهد کرد، زندگی کنیم. می‌دانید، گناه، گناه است.

خوبی، خوبی است. با چیزی که در حال حاضر می‌توانیم درست ببینیم، پیش برویم و عیب و نقص را به خدا واگذار کنیم. فقط یک عمل‌گرا نباشیم.

اوه، بله، می‌گوید گناه است، اما ببینید چطور کار می‌کند. اگر این کار را انجام دهیم، دنیا ما را خواهد پذیرفت. یا این واقعاً سخت است.

بیایید این کار را نکنیم چون خیلی سخت است. نه، اگر خوب است، پس خوب است. و در دراز مدت، به لطف و حکمت خدا، خواهیم دید که امور از نظر خدا چگونه هستند.

این تمام زمانی است که برای اول تیموتائوس ۵ داریم. متشکرم.

این دکتر رابرت دبلیو. یاریرو و آموزه‌های او در مورد رسالات شبانی، دستورالعمل رسولی برای رهبران شبانی و پیروان آنها است. جلسه ۶، اول تیموتائوس ۵.